

<https://www.aftabekherad.ir>

## **Metropolises; Psychological Instabilities and Uncertainty of Individual and Social Security**

Dr. Reza Safari Shali

PhD in Social Sciences-Social Welfare, Allameh Tabatabaie University

**Received: 2015/08/14**

**Accepted: 2015/09/01**

### **Abstract**

A city is an ecosystem or a place for social interactions and collective life of a human society with a specific identity and name, but it may become a "metropolis" in parallel with its growing and expanding population, which mainly includes a population of over one million people. In their ideal sense, metropolises have numerous resources and facilities, including various highways, sports, cultural, educational, and tourism facilities, and are of great political, economic, commercial, and cultural importance, and are considered important economic and commercial centers of each country. Therefore, they are also referred to as the "mother city." However, the concept of "metropolis" in our society and some other countries faces numerous problems due to unbalanced growth and the lack of simultaneous urbanization and industrialization. Due to the complex and heterogeneous structure of their components and elements, they have led to issues and dilemmas in the individual, social, cultural, and environmental spheres, which have made living conditions in metropolises unstable and uncertain.

This article suggests that metropolises suffer from instability and indecision in the individual, social, cultural, and environmental spheres; why do we witness the substitution of instrumental rationality for emotions and a culture of helping in the individual sphere and the rooting of caution, conservatism, and worry in the existence of metropolitan humans? In the social sphere, what attracts the most attention is the decrease in social security, which can be attributed to factors such as population density, population heterogeneity, reduction in social capital, marginalization, poverty, and unemployment in metropolises. In addition, dual identity and cultural conflict, as well as the development of a culture of poverty, reveal uncertainties in the cultural sphere, and problems such as low per capita green space, environmental pollution, noise pollution, vehicle congestion, and lack of parking spaces, illustrate instabilities in the environmental sphere.

**Keywords:** metropolis, harms, social security, personal security, and marginalization

## کلان‌شهرها؛ ناپایداری‌های روان‌شناختی و عدم قطعیت امنیت فردی و اجتماعی

دکتر رضا صفری شالی

دکتری علوم اجتماعی-رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۱۰

### چکیده

شهر به عنوان زیست‌بوم یا مکانی برای تعاملات اجتماعی و زندگی جمعی جامعه انسانی با هویت و اسم مشخص می‌باشد، اما ممکن است به موازات رشد و گسترش روزافزون و داشتن جمعیت زیاد و تراکم — که عمدتاً شامل جمعیت بالای یک میلیون نفر است — تبدیل به «کلان‌شهر» شود، کلان‌شهرها در معنای ایده‌آل خود دارای منابع و امکانات متعدد از جمله انواع بزرگراه‌ها، امکانات ورزشی، فرهنگی، آموزشی و گردشگری زیادی هستند و از اهمیت سیاسی، اقتصادی، بازرگانی و فرهنگی زیادی برخوردارند و از مراکز مهم اقتصادی و تجاری هر کشور به حساب می‌آیند؛ از این رو از آنها به عنوان «مادر شهر» نیز یاد می‌شود اما مفهوم «کلان‌شهر» در جامعه ما و برخی کشورهای دیگر به علت رشد نامتوازن و عدم تحقق همزمان شهرنشینی و صنعتی شدن، با مشکلات متعددی روبه‌رو است. به واسطه ساختار پیچیده و ناهمگون اجزاء و عناصر موجود در آنها، مسائل و معضلاتی در حوزه‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی را به دنبال داشته که شرایط زندگی در کلان‌شهرها را با ناپایداری و عدم قطعیت‌هایی همراه ساخته است.

نوشتار حاضر حاکی از آن است که کلان‌شهرها از ناپایداری و عدم قطعیت در حوزه‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی رنج می‌برند؛ چرا در حوزه فردی شاهد جایگزینی عقلانیت ابزاری به جای عواطف و فرهنگ یاریگری و ریشه دواندن احتیاط، محافظه‌کاری و نگرانی در وجود انسان کلان‌شهری می‌باشیم؟ در حوزه اجتماعی آنچه بیش از همه توجهات را به خود جلب می‌کند، کاهش امنیت اجتماعی است که می‌توان آن را ناشی از عواملی چون تراکم جمعیت، عدم تجانس و ناهمگونی جمعیتی، کاهش سرمایه اجتماعی، حاشیه‌نشینی، فقر و بیکاری در کلان‌شهرها دانست. در ضمن دوگانگی هویتی و تضاد فرهنگی و نیز توسعه فرهنگ فقر، عدم قطعیت‌ها در حوزه فرهنگی، را به رخ می‌کشد و معضلاتی چون پایین بودن سرانه فضای سبز، آلودگی محیطی، آلودگی صوتی، تراکم وسیله نقلیه و کمبود پارکینگ‌ها، ناپایداری‌ها را در حوزه زیست محیطی ترسیم می‌نمایند.

واژگان کلیدی: کلان‌شهر، آسیب‌ها، امنیت اجتماعی، امنیت فردی و حاشیه‌نشینی

## مقدمه

شهر به عنوان مکان استقرار انبوهی از انسان‌ها و به تبع آن، تسلط امر متراکم واحدهای مسکونی، آسمان‌خراش‌ها و افزایش جمعیت مکان‌های ویژه و نیز مکانی برای تعاملات اجتماعی و زندگی جمعی بشر محسوب می‌گردد که می‌تواند بستری برای توسعه و شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی باشد. همچنین شهر را کانون اصلی عرصه خدمات به جمعیت متراکم آن؛ تمرکز فعالیت‌های غیرکشاورزی در سکونتگاه‌های انسانی و نیز به عنوان تسلط شیوه خاص زندگی و بیانگر سیر مدنیت و تمدن جوامع انسانی قلمداد می‌نمایند. پس می‌توان گفت، شهرگرایی<sup>۱</sup> و شهرنشینی<sup>۲</sup> همراه با رشد فزاینده مسائل انسانی و اجتماعی بویژه در کلان‌شهرها،<sup>۳</sup> از پدیده‌های عمومی و رایج دنیای حاضر هستند. خصوصاً در کشورهای در حال توسعه که از یک طرف فرآیند گذار از اقتصاد معیشتی و روستایی به اقتصاد نوین و شهری و از طرف دیگر نرخ بی‌سابقه مهاجرت‌های شهری و هجوم اکولوژیکی را تجربه می‌نمایند، چنین دورانی را با تنوعی از مسائل و معضلات انسانی، اجتماعی و کالبدی سپری می‌کنند.

در کشور ما نیز رشد روز افزون تعداد کلان‌شهرها و نیز ساختار پیچیده و ناهمگون اجزاء و عناصر موجود در چنین بافت‌هایی مسائل و معضلاتی ویژه کلان‌شهرها را در حوزه‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و بخصوص عمرانی و کالبدی، به دنبال داشته است؛ که ضرورت پرداختن به چنین مسائلی را به رخ می‌کشد؛ چرا که همراه با مهاجرت از محیط‌های روستایی و نواحی کم‌برخوردار به سوی شهرها و بویژه کلان‌شهرها، این مناطق با افزایش بی‌رویه جمعیت و تورم انسانی مواجه شده‌اند.

بر این اساس، با گسترش شهرها، معضلات و مشکلات شهری نیز گسترش یافت و به موازات کارکردهای مثبت شهرنشینی صور منفی زندگی و اجتماعات بزرگ و شهرنشینی چهره خود را نشان داد؛ بطوریکه، امروزه کلان‌شهر با گستردگی جغرافیایی، انبوهی جمعیت، تراکم زیستی، معیشت منحصر به صنعت و خدمات و کارکردهای مثبت و یا معضلات منحصر به فردش تعریف می‌شود.

بدین خاطر، امروزه کلان‌شهرها علاوه بر اینکه کانون برترین ارزش‌های فرهنگ معنوی و مادی کشور می‌باشند و سهم بسزایی در توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور دارند، کانون طیف گسترده‌ای از مسائل از قبیل افزایش و هجوم فزاینده جمعیت، گسترش نابرابری‌های اجتماعی، فرهنگی

---

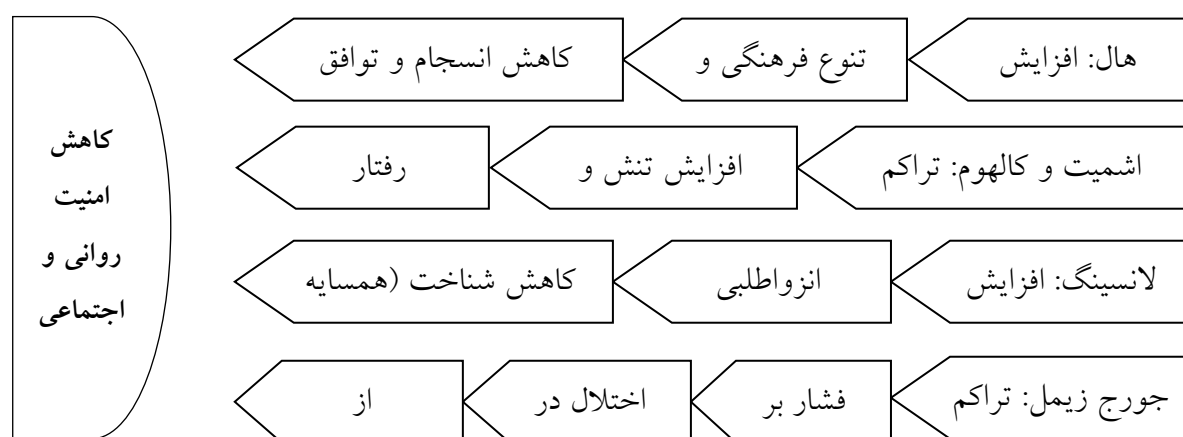
<sup>۱</sup>. Urbanism  
<sup>۲</sup>. Urbanization  
<sup>۳</sup>. Megalopolis

و اقتصادی و پیامدهای فضایی آن یعنی جدایی‌گزینی، کمبود عدالت اجتماعی، انجام بزهکاری‌ها، جرایم، تبهکاری‌ها و نابهنجاری‌های اخلاقی، اعتیاد، سرقت، گروه‌های اراذل و اوباش سازمان یافته و بسیاری از آسیب‌های دیگر نیز هستند، علی‌الخصوص در تهران بررسی شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی چون اشتغال، مسکن، سواد، جمعیت و شاخص‌های محیطی و بلایای طبیعی چون زلزله نشان می‌دهد که تهران در کلیه ابعاد با ناپایداری مواجه است. علت عمده این ناپایداری وجود نابرابری‌های شدید در این کلان‌شهر است، به طوری که ساکنان مناطق جنوبی و حاشیه‌ای این کلان‌شهر در شرایط آسیب‌پذیری بالایی به سر می‌برند. از آنجا که نابرابری منابع و دسترسی منجر به رقابت و تعارض و تداوم تعارض‌های اجتماعی به نابهنجاری‌های اجتماعی، خشونت و ناآرامی‌های شهری می‌گردد، می‌توان نتیجه گرفت که تحقق امنیت روانی و اجتماعی در تهران در گرو توجه به ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، محیطی و در مجموع رفع عدم تعادل در سیستم کلان‌شهری است. لذا، در نوشتار حاضر به دنبال واکاوی برخی از مسائل و معضلات دامن‌گیر کلان‌شهرها در جامعه ایران می‌باشیم.

## ۱- درآمد نظری بر موضوع

صاحب‌نظران در خصوص کلان‌شهرها؛ ناپایداری‌های روان‌شناختی و عدم قطعیت امنیت فردی و اجتماعی به موضوعات متفاوتی اشاره کرده اند به‌عنوان نمونه جورج (گئورگ) زیمل جامعه‌شناس آلمانی، کلان‌شهرها را مرکز پیچیده‌ترین مسائل زندگی مدرن می‌داند که شخصیت فردی را شدیداً تحت فشار قرار می‌دهد و او را از این سو به آن سو می‌کشاند. از دید این جامعه‌شناس کلان‌شهرها مرکز تحول فرهنگ مدرن و سلطه روح عینی بر روح ذهنی هستند و بی‌تناسبی دهشتناکی بین پیشرفت‌های فنی و پیشرفت فرهنگ فردی ملاحظه می‌شود. از یک‌سو زندگی برای شخص بی‌نهایت ساده و آسان می‌شود و از طرفی جریان زندگی ماشینی او را با خود می‌برد و زندگی او بیش از پیش از محتواهای غیرشخصی آکنده شده و فرد که در جستجوی هویت و یکتایی خویش است، کمتر به آن دست می‌یابد. عدم تجانس و ناهمگونی شهرها به دلیل هجوم مهاجرین و مردمانی با ریشه‌های قومی و فرهنگی و نژادی مختلف و با سطح زندگی متفاوت، موجب بروز ناهماهنگی و تضاد در درون کلان‌شهرها می‌شود و زندگی شهری را در عین تنوع دشوارتر می‌سازد و تسامح بیشتری را طلب

می‌کند. در چنین وضعیتی آنومی یا بی‌هنجاری در کلان‌شهرها توسعه می‌یابد. همین امر موجب توسعه قشربندی و انشقاق گروه‌ها و فاصله اجتماعی می‌شود و نابرابری‌ها و تضادها را افزایش می‌دهد و به دنبال خود آسیب‌های مختلف اجتماعی در شهرها گسترش می‌یابد، مانند افزایش طلاق و از هم‌گسیختگی خانواده، دزدی، قتل و جنایت و تبه‌کاری. بنابر نظر «هال»<sup>۱</sup> انفجار جمعیت در کلان‌شهرها به ایجاد چرخه‌های رفتاری مخربی منجر می‌شود که حتی از بمب هیدروژنی هم مهلک‌تر است. با افزایش جمعیت تنوع فرهنگی پیش می‌آید و انسجام و توافق اجتماعی کم‌رنگ‌تر می‌شود. «مطالعات اشمیت»<sup>۲</sup> در سال ۱۹۶۰ نیز نشان می‌دهد رابطه مستقیمی بین تراکم جمعیت و جرم و جنایت وجود دارد. بر اساس تحقیقات تجربی، بین ازدحام و تراکم و رفتار خشونت‌آمیز رابطه مستقیم وجود دارد. از این رو، احتمال می‌رود که انسان نیز در شرایط تراکم بیش از حد ازدحام چنین واکنشی از خود نشان دهد. در نهایت، مطالعات لانسینگ<sup>۳</sup> نیز نشان می‌دهد که با افزایش تراکم، انزوای اجتماعی هم افزایش می‌یابد و بین تراکم جمعیت و شناخت همسایه همبستگی منفی وجود دارد. به نظر زیمل در شهرهای بزرگ، به خصوص کلان‌شهرها، جمعیت عظیم و متراکم و فشار ناشی از آن زندگی انسان، هویت فردی و آزادی او را به خطر می‌اندازد و باعث انزوا و از خودبیگانگی او می‌شود. به طور کلی، نظریه‌های مذکور بر رابطه بین افزایش جمعیت، توسعه شهرنشینی، رشد کالبدی شهر و تغییرات اجتماعی و مسائل ناشی از آن از یک سو و افزایش جنایت و بزهکاری و در نهایت کاهش امنیت فردی و اجتماعی از سوی دیگر تأکید می‌کند. (زیمل، ۱۳۷۳)



شکل ۱- عمده‌ترین نظریه‌ها و دیدگاه‌های کاهش امنیت فردی و اجتماعی در کلان‌شهرها

(اقتباس از لطیفی و بساطیان، ۱۳۹۱)

۱. Hall  
۲. Schmitt  
۳. Lansing

## ۲- بررسی آسیب‌ها و مسائل کلان‌شهرهای کشور

آسیب‌ها و مسائل کلان‌شهرها در حوزه‌های مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و زیست محیطی قابل بررسی است که در ادامه به اجمال به آنها پرداخته خواهد شد:

### ۲-۱- آسیب‌ها در حوزه فردی و روان‌شناختی

**الف) جایگزینی عقلانیت ابزاری افراطی به جای عواطف و روحیه یاریگری در وجود انسان کلان‌شهر**

کلان‌شهرها را می‌باید مرکز پیچیده‌ترین مسائل زندگی مدرن دانست که شخصیت فردی را شدیداً تحت فشار قرار داده و او را از این سو به آن سو می‌کشاند؛ بطوریکه بنیاد روان‌شناختی فرد کلان‌شهری، در شدت یافتن تحریکات عصبی نهفته است که خود ناشی از تغییر سریع و بدون وقفه محرک‌های بیرونی و درونی است. در حیات انسان در کلان‌شهر خصلت پیچیده‌ای رشد می‌کند؛ بطوریکه، او با عقل خود واکنش نشان می‌دهد نه با عواطف و احساسات خود.

سلطه عقل و حسابگری در شهر به‌رغم احساس و عواطف رشد می‌کند و در همه جا ریشه می‌دواند. بدینسان کلان‌شهر همواره جایگاه اقتصاد پولی و تمرکز مبادله اقتصادی و تجارت بوده، چنین شرایطی اصالت فردی و نوع دوستانه را کنار زده و یا کم رنگ می‌کند. پول فقط با آنچه مشترک بین همه است سرو کار دارد و طالب ارزش مبادله است و تمام روابط عاطفی افراد را که بر فردیت استوار است از او سلب می‌کند و تنها کمیت، عدد و دستاوردهای عینی سنجش‌پذیر مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین فرد با همه کسانی که مجبور است با آنها روابط اجتماعی داشته باشد حسابگرانه برخورد می‌کند و چنین برخوردی با نوع روابط اجتماعی خودمانی و صمیمی که در شهرهای کوچک و روستاها رواج دارد و یا نوع روابط اجتماعی که در گذشته در فرهنگ ما ایرانی‌ها، رواج داشته تا حدودی مغایر است و مبتنی بر آموزه‌های دینی، حمایت متقابل، روابط گرم و اظهاری و اخلاقیات ارتباطی که تماماً از تأکیدات فرهنگی و دینی است.

زیست جهانی که تنها بر الگوهای رفتاری و روابط ابزاری و حسابگری فزاینده تأکید نماید نه تنها محیط اجتماعی را عاری از روح و عواطف متقابل و نیازهای ارتباطی کرده و پیام‌آور آزادی و آرامش انسان نیست، بلکه در نقطه مقابل آن نوعی فشارهای فزاینده را بر انسان تحمیل می‌نماید.

ب) ریشه دواندن احتیاط و محافظه‌کاری در وجود انسان کلان‌شهری: احتیاط و محافظه‌کاری سرپوشی برای یکی دیگر از پدیده‌های ذهنی و روان‌شناختی انسان کلان‌شهری است. به دلیل آنکه وحدت گروه و خویشاوندی در کلان‌شهر سست می‌شود، فرد آزادی حرکتی به دست می‌آورد و دارای فردیت ویژه‌ای می‌شود. بنابراین فرد کلان‌شهری از یک‌سو خود را آزاد حس می‌کند و از طرفی بسیار محتاط می‌شود، زیرا خود را تنهاتر و گمشده‌تر از هر جای دیگر حس می‌کند و در برقراری ارتباطات اجتماعی احتیاط بالایی به خرج می‌دهد.

ریشه عمده چنین احساساتی ناشی از آن است که در جوامع سنتی و کوچک (مثل روستاها)، عواملی چون خانواده، مذهب و خویشاوندی و ساختارهای سنتی جامعه به ویژه نظام محله‌ای و ارتباطات غیرابزاری مثل حضور در کانون‌های اجتماعی و خصوصاً مسجد عاملی برای آشنایی، رفع بیگانگی‌ها، فاصله‌های اجتماعی و تعامل اظهاری بود. این ساختارها و روابط نقش بسیار پررنگی در شکل‌گیری شخصیت فردی، عواطف و احساسات انسانی دارد؛ اما در کلان‌شهرها که ویژگی‌های جوامع مدرن را دارند، این پارامترها به نسبت تضعیف گشته و از سویی دیگر، مکانیزم‌های مناسبی توسط سازمان‌ها و نهادها جایگزین نگردیده است.<sup>۱</sup> بر این اساس شاهد آن هستیم که ماحصل چنین دگرگونی در پارامترهای تأثیرگذار و شکل‌دهنده به شخصیت انسانی، تبدیل انسان عاطفی و احساسی به انسانی عقلانی و حسابگر و محافظه‌کار، تبدیل انسان جمع‌گرا به انسانی فردگرا و گاهاً منزوی و در نهایت انسانی با رگ و ریشه‌هایی قوی خویشاوندی به انسانی تنها و بی‌حامي می‌باشد.

## ۲-۲- وجود آسیب‌ها اجتماعی در کلان‌شهرها

### الف) کاهش امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی یکی از بزرگترین و مهم‌ترین اشکال امنیت است و در واقع آن نوع از امنیتی است که فرد در اجتماع از سایر هموعان خویش انتظار دارد. اساساً امنیت اجتماعی در کلان‌شهرها با عوامل داخلی و خارجی متعددی در ارتباط می‌باشد. محیط‌های کلان‌شهری بنا به شرایط اجتماعی موجود، یعنی شکل‌گیری فضاها، کارکرد فضاها، وجود امکانات رفاهی، تراکم، آلودگی‌های زیست محیطی و... می‌توانند بر میزان امنیت مؤثر باشند. در بسیاری از موارد فضا محرک انسان در بروز رفتار خاص است.

۱. مراجعه شود به آنتونی گیدنز، ۱۳۷۷

ایجاد فضاهای آرام و به دور از نابسامانی اجتماعی و نیز افزایش کیفیت محیطی از طریق توجه به نیازهای اساسی زندگی شهری به عنوان مطلوبیت فضای شهری به حساب می‌آیند. در بسیاری از موارد نوع طراحی فضای کالبدی، نقشی که مکان خاص به خود می‌گیرد و ابعاد اجتماعی یک محدوده به امن و یا ناامن شدن فضاها منجر می‌گردد. به عبارتی دیگر فضاهای کلان‌شهری کشور با ویژگی‌های کنونی و در هم تنیدگی متفاوت به نحوی محرک بروز جرم و کاهش امنیت اجتماعی می‌باشند.

وجود فضاهایی چون کوچه‌های تاریک و فضاهای خلوت و کم تردد شهر، داخل زیر گذرها، پل‌های هوایی، ساختمان‌های نیمه تمام و رها شده یا متروک، فضاهای مجاور کاربری‌های بزرگ ولی کم رفت و آمد، حاشیه‌نشینی، کمبود مسیرهای پیاده‌رو، حضور افراد معتاد و گاهاً اراذل و اوباش همگی موجب سلب آسایش و امنیت شهروندان می‌شود، مضاف بر عوامل مذکور شلوغی و نگاه‌های مردمی که بدلیل فقر و نبود فرهنگ زندگی شهری و وجود محله‌های حاشیه‌ای که فقر اقتصادی در آنها بیداد می‌کند، مکان‌هایی که پلیس حضور دائمی ندارد، قسمت‌های کنج و دنج فضاهای عمومی، قسمت‌هایی که آلودگی‌های محیطی و کم نوری وجود دارد و وجود مواردی از این قبیل مجموعاً عواملی هستند که به لحاظ اجتماعی قابل بررسی است و موجب کاهش احساس امنیت شده و معضلات و پیامدهایی از قبیل عدم اعتماد، احساس نگرانی نسبت به مسائل مختلف، کناره‌گیری از مشارکت و رفتارهای اجتماعی، ترس و بیمناکی و دوری جستن از محیط، محدود کردن فعالیت‌های عادی و ارتباطات و... را به دنبال دارد. از سویی دیگر، وسعت و پراکندگی فضای کلان‌شهرها این امکان را برای مجرمین فراهم می‌نماید که به راحتی در شلوغی کلان‌شهرها خود را از چشم پلیس پنهان نموده و در آپارتمان‌ها و آسمان خراش‌هایی که تراکم واحدهای مسکونی و عدم شناخت همسایگان با یکدیگر وجود دارد، با کمترین دغدغه به اعمال خلافکارانه خود ادامه دهند.

### ب) تراکم جمعیت

انفجار جمعیت در کلان‌شهرها به ایجاد چرخه‌های رفتاری مخربی منجر می‌شود، چرا که به نظر «گئورگ زیمل» در شهرهای بزرگ، به خصوص کلان‌شهرها، جمعیت عظیم و متراکم و فشار ناشی از آن، زندگی انسان، هویت فردی و آزادی او را به خطر می‌اندازد و باعث انزوا و از خودبیگانگی او می‌شود. چنین شرایطی، به مرور سبب کم‌رنگ‌تر شدن پیوندها و وابستگی‌های اجتماعی گردیده و فرد

را به سمت رفتارهایی مخرب و آسیب زنده به محیط اطراف خود که هیچ وابستگی و تعلق به آن احساس نمی‌کند، سوق می‌دهد. از سویی دیگر، تحقیقات نشان داده است که بین ازدحام و تراکم و رفتار خشونت‌آمیز رابطه مستقیم وجود دارد. بر این اساس، راه چاره را می‌توان در کاهش تراکم جمعیتی در کلان‌شهرها جستجو نمود، این در حالی است که معضل مهاجرت روزانه به کلان‌شهرها، عامل عمده ای در ایجاد تراکم جمعیتی در آنها و مسائل و معضلات مربوط بدان می‌باشد. اساساً حرکت روزانه مردم از حومه‌ها و شهرک‌های اطراف یا از بعضی مناطق شهری به داخل کلان‌شهرها نوعی مهاجرت داخلی است که به آن مهاجرت روزانه گفته می‌شود و باعث ناامنی، افزایش سرقت، مشکل ترافیک و سایر مسائل در کلان‌شهرها می‌شود.

### ج) کاهش ارتباطات و پیوندهای اجتماعی

انسان همواره نیازمند برخورداری از حمایت، مهربانی، اعتماد و توجه دیگر هموعان خود است. فرد ساکن در کلان‌شهر با دور شدن از بستگان، دوستان و همسایگان قدیمی از منابع تأمین این نیازها دور می‌شود و در صورت برآورده نشدن نیازهای مذکور، با روی آوردن به سرگرمی‌ها یا شادی‌های کاذب درصدد پرکردن اوقات فراغت و پنهان کردن تنهایی و ناراحتی خود برمی‌آید. فقدان پیوندهای اجتماعی باعث نادیده گرفتن برخی از الزامات اجتماعی می‌شود. بنابراین خصوصاً مهاجران تازه اسکان یافته ممکن است دست به اعمالی بزنند که مطابق با هنجارهای معمول نباشد و حتی پیش از این، از نظر خود آنان این رفتارها جزو رفتار ضد اجتماعی و اخلاقی تلقی می‌شده است.

### د) عدم تجانس و ناهمگونی در کلان‌شهرها

عدم تجانس و ناهمگونی به دلیل هجوم مهاجرین و مردمانی با ریشه‌های قومی و فرهنگی و نژادی مختلف و با سطح زندگی متفاوت، موجب بروز ناهماهنگی و گاهاً تضاد در درون کلان‌شهرها می‌شود و زندگی شهری را در عین تنوع دشوارتر ساخته و تسامح بیشتری را می‌طلبد. در چنین وضعیتی آنومی یا بی‌هنجاری در کلان‌شهرها توسعه می‌یابد و به تضعیف وفاق اجتماعی منجر شده و به رشد زندگی مصنوعی و غیرشخصی کمک می‌کند. همین امر موجب توسعه قشربندی و انشقاق گروه‌ها و فاصله اجتماعی می‌شود و نابرابری‌ها و تضادها را افزایش می‌دهد و به دنبال خود آسیب‌های مختلف

اجتماعی در کلان‌شهرها را گسترش می‌دهد، مانند افزایش طلاق و از هم‌گسیختگی خانواده، دزدی، قتل و جنایت و تبهکاری.

در مقابل، تحرک اجتماعی، تنوع‌طلبی، مد، تجددگرایی و سبک‌های تازه زندگی رایج شده و ممکن است به شکوفایی و بروز نوآوری و خلاقیت و سرعت عمل منجر شود و شهر را به‌صورت نیروی محرکه و پیشرفت یک منطقه درآورد، البته ممکن است باعث پیشرفت ظاهری شده و همچنین سبب شکل‌گیری قشری اجتماعی و اقتصادی تحت عنوان «نوکیسه‌گان» شود. این قشر منادی هنجارها و رفتارهای غیرفرهنگی‌ای است که خصیصه‌هایی همچون ظاهرگرایی، تفاخر، لوکس‌گرایی، تسابق و رقابت‌های غیراخلاقی از مهم‌ترین مختصات و اوصاف آن است. این قشر از افراد جامعه، با توجه به تحولات سریع فرایندهای زندگی در کلان‌شهرها، صرفاً در تلاش هستند با دگرگونی‌های اقتصادی خود را با تحولات فزاینده کلان‌شهری همگام نمایند و یا جامعه را به شکل آنچه خود می‌خواهند درآورند. بر این اساس، این قبیل افراد به دلیل آنکه نشان دهند از نظر اجتماعی به تبع شرایط اقتصادی خود تغییر کرده و ارتقاء پیدا کرده‌اند، شروع به مصرف تظاهری می‌کنند و در برخی موارد برخی ابزار و وسایلی مانند اتومبیل گران‌قیمت برای این گروه ابزار نمادینی<sup>۱</sup> جهت معرفی خود به دیگران می‌باشد.

#### ه) کاهش سرمایه اجتماعی

«همسایگی» «محله و هم‌محلی» و پایگاه‌های اجتماعی و دینی، ارتباطات عاطفی و غیرابزاری — که در گذشته نه چندان دور در شهرهای ایران در قالب‌های متفاوت مذهبی، اجتماعی و فرهنگی جریان داشت — از اهمیت زیادی در نظام اجتماعی و ارتباطی جامعه برخوردار بود. در روستاها و شهرهای کشور، این نظامات، از ابعاد مختلف از جمله هویت‌بخشی به افراد و به تبع آن مشارکت‌آفرینی خودجوش (در قالب‌هایی مانند خودیاری و دیگر یاری) نقش بسیار بالایی دارند، در راستای چنین شرایطی نظارت اجتماعی و احساس مسئولیت اجتماعی نیز بالا می‌رود. اما در کلان‌شهرها به دلیل جابجایی مداوم جمعیت از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر، مفاهیمی به نام «همسایه» و «هم‌محلی»، «مسجد»، «هیئت» و... کمتر موضوعیت پیدا می‌کند. از این رو ویژگی‌هایی که برای روستاها و شهرهای کوچک برشمردیم، در کلان‌شهرها به راحتی ایجاد نمی‌شود؛ بطوریکه بنخاطر وضعیت جابجایی مداوم جمعیت،

<sup>۱</sup>. Symbolic Motives

احساس تعلق و مشارکت پایین آمده و به تبع آن سرمایه اجتماعی در کلان‌شهرها، به نسبت شهرهای کوچک به میزان قابل توجهی تضعیف گردیده و از عمق بالایی نیز برخوردار نمی‌باشد. وجود چنین شرایطی بستری برای آسیب‌هایی چون فردگرایی، انزوا، انومی یا آشفتگی اجتماعی فراهم می‌آورد. از سویی دیگر، به خاطر شکل‌گیری توقعات فزاینده در کلان‌شهرها و ایجاد و شکل‌گیری نیاز مداوم در بین شهروندان و عدم ارضای آنها نوعی نارضایتی اجتماعی بروز و ظهور می‌کند که این نارضایتی ممکن است امنیت اجتماعی و فردی افراد را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

#### و) رشد حاشیه‌نشینی

نکته درخور توجه در روند شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و پدید آمدن شهرک‌های متعدد و اسکان غیررسمی، ظهور تجمعات مسأله‌دار در نواحی پیرامونی و حومه‌ای کلان‌شهرها می‌باشد. پیدایش این شهرک‌ها به‌ویژه آنهایی که به طور غیرقانونی یا در بافت روستایی در حال تحول کلان‌شهر رشد کرده‌اند، مشکلاتی را چون سکونت اجباری و ناخواسته، دشواری و گرانی رفت و آمد، عدم تفاهم فرهنگی و روحی با محیط و کمبود وسایل رفاهی به دنبال دارند. علاوه بر این اغلب ساکنان این شهرک‌ها به خاطر ضرورت شغلی و گرانی مسکن و بالا بودن هزینه زندگی به سکونت در آنها تن داده و اغلب آرزوی به دست آوردن شغل و مسکن مناسب در متن کلان‌شهر را دارند. آمیختگی قومی و فرهنگی در این شهرک‌ها با نقش فرهنگ مسلط کلان‌شهرها، زمینه‌ساز بسیاری از مسائل اجتماعی - روانی و اختلافات رفتاری و اخلاقی می‌باشد.

سکونتگاه‌های غیررسمی نیز در اطراف کلان‌شهرها، بافت‌هایی هستند که عمدتاً مهاجرین روستایی و تهیدستان شهری را در خود جای داده‌اند و بدون مجوز و خارج از برنامه‌ریزی رسمی و قانونی توسعه شهری به وجود آمده‌اند. این سکونتگاه‌ها عمدتاً فاقد سند مالکیت هستند و از نظر ویژگی‌های کالبدی و برخورداری از خدمات و زیرساخت‌های شهری مشابه بافت‌های فرسوده شدیداً دچار کمبود امکانات و منابع هستند. مهاجرت گسترده روستاییان به شهر و تلاش برای یافتن شغلی مناسب به دلیل از رونق افتادن بخش کشاورزی موجب شد تا بسیاری از مهاجران در مناطقی نزدیک شهرهای بزرگ خانه‌هایی با کمترین امکانات رفاهی برای خود دایر کنند.

لازم به ذکر است، مهم‌ترین ویژگی سکونتگاه‌های غیررسمی فقدان امکانات بهداشتی و آموزشی حداقلی برای ساکنان باشد. ضمن اینکه اکثر مردم این مناطق با تفاوت‌های فرهنگی عمیق در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و خود این مسأله مناطق مذکور را آستان حوادث می‌کند و برای مناطق داخل شهر نیز انواع آسیب‌های اجتماعی ایجاد می‌کند و به عبارتی سلامت اجتماعی را به خطر می‌اندازد. بر این اساس می‌توان گفت، شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشینی، مسائل متعددی را با خود به همراه دارد که فقط محدود به مناطق حاشیه‌نشین نمی‌شود و حتی کل یک شهر را نیز متأثر می‌سازد.

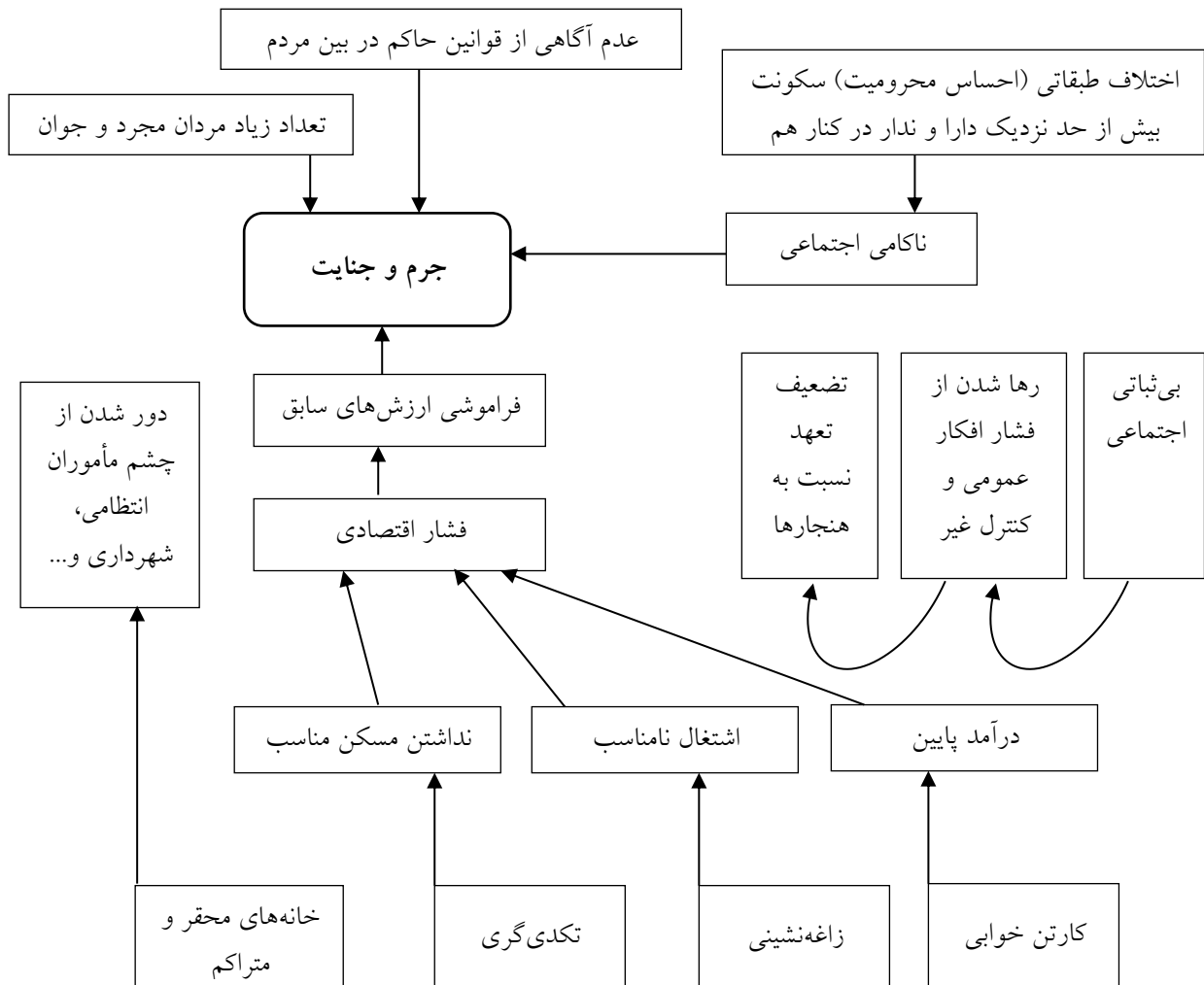
تمامی موارد مذکور بی‌شک ناشی از این مهم است که حاشیه‌نشین به دو نظام فرهنگی «گذشته و جدید» وابسته است و در عین حال به هیچ‌یک، کاملاً تعلق و تمایل ندارد. در حاشیه بودن به گسیختگی از نظام ارزشی پیشین و احساس رهایی نسبی از یوغ کنترل اجتماعی شهری منجر می‌شود و نوعی عدم انسجام و همبستگی را بوجود می‌آورد که علاوه بر افزایش استعداد و قابلیت رشد آسیب‌های اجتماعی، سبب اختلال در نظم و امنیت عمومی می‌شود (نقدی و صادقی، ۱۳۸۵: ۲۲۶).

### ز) گسترش فقر و نابرابری اقتصادی

تهدیدات اقتصادی یعنی فقر شهری و نابرابری اقتصادی<sup>۱</sup> مهم‌ترین بستر تهدیدات امنیتی در کلان‌شهرها است. فقرای کلان‌شهرها معمولاً از سه نوع فقر رنج می‌برند: (۱) فقر مالی، (۲) فقر دسترسی به امکانات و منابع، (۳) فقر قدرت (فقدان دسترسی به اطلاعات) فقر در دسترسی به سرمایه‌های اجتماعی و پشتوانه‌های مناسب که مبتنی بر حمایت متقابل، دوستی و معاضدت اجتماعی است. درباره علل و عوامل بروز فقر، خواه به صورت مطلق و خواه به صورت نسبی بحث‌های وسیع و متنوعی صورت گرفته، اما در مورد آثار و پیامدهای تعیین‌کننده آن بر ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی و حتی محیط طبیعی توافقی عام وجود دارد. میان فقر و سوءرفتارهای اجتماعی روابط گوناگونی قابل تصور است. مثلاً فقر می‌تواند از طریق عوامل دیگری همچون خشم و سوء تغذیه که از علل جرم در سراسر جهان شناخته شده، با جرم ارتباط داشته باشد. همچنین به دلیل آثار فقر و سوء تغذیه بر هوش و بلوغ فکری افراد و نیز میزان آگاهی آنها، می‌توان میان فقر و جرم رابطه معناداری را تصور کرد.

۱. نابرابری اقتصادی (Economic Inequality) به شرایطی که در آن اعضای یک جامعه، درآمد، شأن و امکانات و فرصت‌های متفاوت اقتصادی داشته باشند، نابرابری اقتصادی می‌گویند.

در مجموع به دلیل رابطه معنی‌دار میان فقر، نابرابری و محرومیت که حاکی از ناکافی بودن منابع، توزیع نابرابر منابع و عدم دسترسی به منابع است و فقدان یا به ضعف رفتن مختصات و اوصاف اخلاقی مثل انفاق، گذشت، حمایت و... با رفتارهای ناشی از فشارهایی که به اعتبار مسائل مزبور در هر جامعه وجود دارد، این فشارها و آسیب‌پذیری‌ها منجر به بروز برخی از اشکال کنش متقابل به خصوص «رقابت و تعارض» می‌گردد. تداوم تعارض‌های اجتماعی احتمال بروز رفتارهای خشونت‌آمیز را در افراد یک جامعه افزایش می‌دهد. نابرابری اقتصادی و محرومیت موجب پرخاشگری، دشمنی و رفتارهای تعارض‌آمیز کورکورانه و خطرپذیری می‌شود و یا مورد هدف قرار دادن عامل ناکامی‌ها را افزایش می‌دهد. نکته قابل توجه اینجاست که نابرابری در هر یک از سه حوزه طبقه، منزلت و قدرت می‌تواند منشأ درگیری و تعارض‌های اجتماعی و ناهنجاری‌های ناشی از آن شود. شکل ذیل، عوامل مؤثر در وقوع جرم و جنایت در کلان‌شهرها که از مظاهر عمده عدم وجود امنیت فردی و اجتماعی در این مناطق است را به تصویر می‌کشد:



شکل ۲ - مهم‌ترین عوامل مؤثر در وقوع جرم و جنایت در کلان‌شهرها

(اقتباس از لطیفی و بساطیان، ۱۳۹۱)

## ۲-۳- آسیب‌های فرهنگی موجود در کلان‌شهرها

### الف) دوگانگی هویتی و تضاد فرهنگی

اساساً کلان‌شهرها مرکز تحول فرهنگ مدرن و سلطه روح عینی بر روح ذهنی است، بدین معنی که در کلان‌شهر همه چیز در زبان، فن، حقوق، تولید، هنر، اشیاء، محیط خانگی و ماشینی تجسم یافته است، این زندگی ماشینی و فرهنگ مدرن، با شرایط زندگی سنتی و پیشرفت فرهنگی فرد ناهماهنگ است. بدین خاطر، بی‌تناسبی دهشتناکی بین پیشرفت‌های فنی و پیشرفت فرهنگ فردی ملاحظه می‌شود. از یک‌سو زندگی برای شخص بی‌نهایت ساده و آسان می‌شود و از طرفی جریان زندگی ماشینی او را با خود می‌برد و زندگی او بیشتر و بیشتر از محتواهای غیرشخصی آکنده می‌شود و فرد در جستجوی هویت و یکتایی خویش است که کمتر آن را به دست می‌آورد.

این دوگانگی و تضاد فرهنگی، علیرغم تمامی تلاش‌هایی که انسان در جهت همراهی و همگامی خود با زندگی کلان‌شهری می‌نماید، در نهایت، ناکامی و عدم توفیق را برای وی به همراه خواهد داشت چرا که آنچه شاهد آن می‌باشیم نه همراهی و همگامی با فرهنگ زندگی در کلان‌شهر است بلکه چیزی جز تأخر فرهنگی و عدم هماهنگی انسان و ماشین نمی‌باشد. حرکات نامناسب و کج و معوج وسایل نقلیه و عدم رعایت مقررات رانندگی در کنار عبور غیرمحتاطانه و بی‌رویه پیاده‌ها از وسط خیابان و حرکت تند و نامناسب و زیگزاگ موتور سیکلت‌ها از پیاده‌روها و از وسط اتومبیل‌ها و عابرین نشان می‌دهد که هر چند ظواهر زندگی شهری تغییر کرده اما هنوز فرهنگ شهرنشینی در رفتار و اذهان شهرنشینان جایگزین نشده است.

### ب) توسعه فرهنگ فقر

به دنبال حاشیه‌نشینی و آلونک‌نشینی و توسعه محلات فقیرنشین و محلات کثیف، خرده فرهنگ فقر در اطراف این شهرهای بزرگ رشد پیدا می‌کند؛ خرده فرهنگی که توجه به زمان حال و علاقه به مسائل و امور عینی، ماجراجویی، تن دادن به احساسات و امیال را از مظاهر آن دانسته‌اند. در این میان، نشان دادن پرخاشگری وسیله‌ای است برای بیرون ریختن احساسات است که موجب می‌شود کسانی که در

فرهنگ فقر به سر می‌برند کمتر دچار خودخوری و سرکوفتگی احساسات شوند (لوئیس، ۱۳۵۳: ۱۲۴-۱۳۷).

وجود مسأله مشترک به نام «فقر و نداری» در حاشیه‌نشینان کلان‌شهرها، گاهاً احساس همبستگی و تعلق گروهی را بوجود می‌آورد که حلت سرمایه اجتماعی جزیره‌ای دارد و در راستای هنجارهای حاکم بر جامعه و سرمایه اجتماعی کلان نمی‌باشد و چنین شرایطی باعث انجام و بروز رفتارهای وندالیستی و لمپنیستی (رفتارهای خرابکارانه و کجروانه و معارض با ارزش‌های جامعه) می‌گردد.

### ج) کارکردهای منفی فقر

فقر واجد آثار، عواقب و کارکردهای ناگواری هم در سطح فردی و هم در روابط اجتماعی است که می‌تواند ساحت و چهره اجتماعی جامعه را به انواع بیماری‌ها، اختلالات، بدکارکردی‌ها و نابسامانی‌های گوناگون بیالاید. عواقب ناگوار که گاهی شخصیت و ماهیت اخلاقی و ارتباطی بخش‌هایی از جامعه را با تغییرات متفاوت مواجه ساخته و الگوهای شخصیتی‌ای می‌آفریند که ماهیتاً با زیرساخت‌ها و هویت فرهنگی جامعه مغایرت دارد. جامعه‌شناسان آثار و کارکردهای فقر را با توجه به تأثیرات اجتماعی آن مورد تأمل و بازکاوی قرار داده‌اند و روان‌شناسان عواقب روحی و روان‌شناختی آن را بازنمایشی کرده و چگونگی بروز و تعمیق معیارهای الگوهای آسیب‌زا را مورد تأمل قرار داده‌اند که تماماً حاکی از بروز شرایط نگران‌کننده برای زیست جمعی است. از نگاه مذهبی نیز فقر ضمن تهی‌سازی شخصیت افراد از قوام و پایداری لازم برخوردار نبوده و با ایجاد تزلزل در مناسبات اجتماعی و کنش‌های عقلانی و ارزشی، مبدأ تجدیدنظرهای بنیادین در الگوهای رفتاری است. اهمیت و تأثیرات منفی فقر به گونه‌ای است که از زبان بزرگان دینی آن را منشأ بروز کفر<sup>۱</sup> و سرکشی نسبت به هویت اعتقادی معرفی نموده‌اند.

به تعبیر دیگر آثار و عواقب ناشی از فقر تنها به تغییر در کنش‌ها، ارتباطات و تمایلات پرخاشگرانه و تعارض‌آمیز، الگوهای هنجاری، اخلاقی و اجتماعی نمی‌انجامد، بلکه در سطحی فراتر حتی نظامات اعتقادی و اخلاقی جامعه و اجزای آن را با دگرگونی‌های بنیادین مواجه می‌سازد. اگر کفر را اوج ظلمت معرفتی در نظر آوریم، فقر مقدمه‌ای است که می‌تواند چنین کارکرد منفی‌ای را بر افراد و اجزای جامعه

<sup>۱</sup>. کاد الفقر ان یكون کفرا

و مؤمنین تحمیل نماید. گرچه آثار فقر برای همگان یکسان نیست، اما تأکید بزرگان دینی حاکی از این واقعیت و آثار ناشی از آن است.

## ۲-۴- آسیب‌های زیست محیطی

### الف) پایین بودن سرانه فضای سبز و امکانات زندگی

پایین بودن سرانه فضای سبز از استاندارد سرانه با توجه به جمعیت هر منطقه را کمبود فضای سبز می‌نامند. کمبود فضای سبز در تهران به دلیل توسعه بی‌رویه و افزایش یکباره جمعیت و در کنار آن جمعیت پذیری بالای این شهر در یک برهه زمانی خاص است که دارای پیامدهای کمبود فضای گذران اوقات فراغت، افزایش آلودگی هوا و صدا، کاهش کیفیت آب‌های زیرزمینی، افزایش دمای هوا، توسعه بی‌قواره و نسنجیده شهرها می‌باشد.

افزایش ساخت و ساز شهری از یکسو و ساخت معابر و راه‌های دسترسی از سوی دیگر سبب شده است تا شهر در این دو زمینه بیشتر مورد توجه قرار گیرد. گویا تمامی مشکلات شهرها فقط با ساخت ساختمان‌ها و معابر دسترسی برطرف می‌شود. به واقع توسعه شهری براساس این دو فاکتور تنها از بار مشکلات شهری نمی‌کاهد بلکه بر میزان مشکلات و مسائل شهری نیز می‌افزاید. حذف فضاهای شهری که می‌تواند به عنوان فضاهای تفریحی، فرهنگی و اجتماعی و گردشگری و فضاهای سبز مورد استفاده قرار گیرد، خود می‌تواند آرامش و آسایش شهروندان را سلب کند.

استرس و فشار ناشی از زندگی فشرده و درهم تنیده شهری از یکسو و کمبود اینگونه فضاها خود عاملی می‌شود که سلامت شهروندان را در معرض تهدید جدی قرار می‌دهد، همچنین آلودگی‌های ناشی از ترافیک، صنایع و مراکز تولیدی محیط‌زیست شهری را تحت تأثیر قرار داده و زندگی در فضاهای شهری را بی‌روح می‌کند تا آنجایی که حتی بر رفتار و کردار شهروندان تأثیر نامطلوبی برجای می‌گذارد.

### ب) تراکم وسایل نقلیه و آلودگی محیط

رشد شهرهای عظیم و مادر شهرها مشکلات جدی و زیادی به همراه داشته است که عمده‌ترین آنها: تراکم وسایل حمل و نقل، آلودگی هوا و آب، تراکم زباله و فاضلاب ناشی از سوخت گازوئیل و بنزین که راه‌حل آن به آسانی میسر نیست. این در حالی است که، زیرساخت توسعه شهری، توجه ویژه به

مباحث آمد و شد شهری و حل معضلات و مسائل ترافیکی است، این موضوع به ویژه از این منظر اهمیت دوچندان پیدا می‌کند که شهرها دائماً در حال گسترش هستند. به واقع بیش از ۳۰ درصد از درآمد شهروندان در مباحث حمل و نقل هزینه می‌شود که این امر خود گواه اهمیت و توجه به مباحث آمد و شد شهری است. به واقع توسعه حمل و نقل عمومی آن هم در شهر به دلیل تراکم بافت‌های شهری و مسائل زیست شهری همچون توجه به آلودگی هوا می‌تواند گره بسیاری از معضلات و مشکلات شهری را بگشاید. حمل و نقل عمومی و تکمیل شبکه حمل و نقل درون‌شهری که امکان دسترسی شهروندان را با طی کمترین مسافت به یکی از وسایل حمل و نقل عمومی فراهم می‌سازد می‌تواند در توسعه آبادانی شهری و کاهش مشکلات و تبعات آن بسیار تأثیرگذار باشد و این امر نیازمند سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان برای توسعه زیرساخت‌هاست.

اما باید در نظر داشته باشیم که همیشه ظهور تکنولوژیکی اگرچه عاملی برای دستیابی به آسایش است ولی همواره مشکلات و معضلات خاص خود را هم به دنبال دارد. همراه نبودن فن‌آوری و فرهنگ استفاده از آن عمدتاً مشکلات بیشتری را به بار می‌آورد. در کلان‌شهرها وجود انواع اتومبیل، اگر چه گامی در جهت پیشرفت و ترقی بوده است، ولی عدم هماهنگی بین این وسیله و نوع فرهنگ استفاده از آن و همچنین عدم تعادل بین عرضه و تقاضای اتومبیل باعث ظهور پدیده ای به نام "تراکم ترافیک شهری" شده است، که خود دارای آسیب‌های بسیار زیاد جسمی، روحی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی می‌گردد.

### ج) کمبود پارکینگ

کمبود پارکینگ به دلیل بافت‌های فرسوده و خانه‌های قدیمی (مثل منطقه ۱۲ شهر تهران)، ظرفیت محدود معابر، کمبود زمین در شهر، عرض کم خیابان‌ها، عدم احداث پارکینگ در بسیاری از ساختمان‌ها و مراکز عمومی است و کمبود پارکینگ در کلان‌شهرهای ایران مثل تهران مشکلات شهری زیر را به دنبال دارد: پارک دوبله یا غیرمجاز در خیابان‌ها، بوجود آمدن ترافیک‌های شدید، معضل پارک حاشیه ای خودرو، در نتیجه محدود کردن عبور و مرور وسایل نقلیه، آشفستگی چهره شهر، معضل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، کاهش ظرفیت خیابان، ایجاد خطر برای عابران پیاده.

#### د) آلودگی صوتی

آلودگی صوتی یا سرو صدا، امواج ناخواسته‌ای است که تحت شرایط مکانی و زمانی خاص، بر فعالیت های انسان تأثیر گذاشته و ممکن است با ایجاد عوارض متعدد جسمی و روحی، آرامش و راحتی او را سلب کند، عواملی چون افزایش جمعیت شهری، نزدیکی مناطق مسکونی به معابر پر رفت و آمد، وجود خودروهای فرسوده در سطح شهر، وجود کارگاه‌ها و ساخت و سازها، عبور خطوط پروازی از بالای سطح شهر، عبور خطوط ریلی از بعضی مناطق و بسیاری عوامل دیگر سبب شده که آلودگی صوتی به یکی از جدی‌ترین معضلات کلان‌شهرها (مثل شهر تهران) تبدیل شود و تأثیراتی چون: کم شدن بهره‌وری در اثر افزایش هزینه‌های درمانی ناشی آسیب دیدن سیستم‌های شنوایی، کم شدن کیفیت کار، از دست رفتن آرامش روانی و روحی شهروندان و... به همراه داشته باشد.

#### ه) گسستگی‌های ارتباطی

بسیاری از جامعه‌شناسان که شهر و کلانشهر را مورد مطالعه قرار داده‌اند یکی از آثار این روند را متوجه تغییر ارتباطات و ایجاد گسستگی‌های اجتماعی می‌دانند. مفاهیمی مثل «بیگانگی»، «تنهایی» و «بلا زده شدن» از جمله تغییرات و عواقب زندگی کلان شهری است که مورد تأکید جامعه‌شناسان شهری قرار گرفته است. در گذشته‌ای نه چندان دور در جامعه ایران ارتباطات مبتنی بر آشنایی، تعلقات هویتی، پیوستگی‌های محلی و منطقه‌ای، دلبستگی‌های اجتماعی و به ویژه همگرایی‌ها و ارزش‌های برآمده از ساختار دینی و اعتقادی، عامل بنیادینی برای ارتباطات در سطح جامعه بوده است. در بسیاری از کلان‌شهرها، تشکیل هیئت‌های مذهبی، حسینیه‌ها، مساجد خاص کسانی که متعلق به یک شهر بودند به چشم می‌خورد و خود عاملی برای پیوند، ارتباط و تعاملات غیر ابزاری برای اجزای جامعه و تأمین نیازهای ارتباطی مردم بود. کلان‌شهرها در روابط ناشی از آن تا حد زیادی این پیوستگی‌ها را تضعیف و کماکان مکانیزم‌های ارتباطی نوینی که پاسخگوی نیازهای ارتباطی جامعه باشد، جایگزین نشده است. تضعیف ارتباطات تعلق‌آمیز، اخلاقی و اظهاری از مهم‌ترین بدکارکردی‌ها در نظامات کلان‌شهری است که به لحاظ روان‌شناختی و جامعه‌شناختی اهمیتی مضاعف دارد. گرچه در حاشیه شهرها گاهی این ارتباطات دیده می‌شود، اما در متن کلان‌شهرها این روابط رو به زوال است.

## نتیجه‌گیری

از آنجا که تا حد بسیار زیادی رشد کلان‌شهرهای ایران محصول سیاست‌های تمرکزگرا و بهم خوردگی تعادل‌های اقتصادی - اجتماعی و مهاجرت نیروهای انسانی فراوان به سمت شهرها و تبدیل آنها به شهرهای میلیونی است مجموعه این عوامل سبب می‌شود که توازن موجود بین منابع (خدمات) شهری و جمعیت ساکن در آن از بین برود و لذا با توجه به رشد لجام گسیخته جمعیت انسانی و محدودیت‌های منابع شهری، بسیاری از مسائل و مشکلات شهری از قبیل مسکن، حمل و نقل، آلودگی، مهاجرت، آسیب‌های اجتماعی و حاشیه‌نشینی به طرز بی‌رویه‌ای رشد یافته و بعضاً شاهد واژگونی منابع و خدمات شهری باشیم، بطوریکه تا حد زیادی دایره و عرصه عمل خدمات‌رسانی، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری و تلاش در جهت حل مسائل شهری را محدود و تنگ نموده است.

لذا کلان‌شهر به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی رو به گسترش در کشور، با چالش‌ها و معضلاتی فردی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و زیست محیطی روبرو است که وجود چالش‌های چندوجهی، کلان‌شهرها را به دشوارترین مکان‌ها برای زندگی در دو دهه اخیر تبدیل نموده است.

نگاه سطحی به مسائل فرهنگی، اجتماعی در حوزه شهری سبب شده است تا مسائل کلان‌شهری در این بخش‌ها خود به معضلات و مشکلات بسیاری برای شهروندان تبدیل شود. توجه به مسائل فرهنگی و اجتماعی همچون تار و پودی لایه‌های مختلف شهر را در هم تنیده است و هرگونه بی‌توجهی به مسائل فرهنگی و اجتماعی می‌تواند هویت زندگی فردی و جمعی شهروندان را در معرض تهدید و خطر قرار دهد. وجود انواع آسیب‌های اجتماعی، نابرابری‌های اجتماعی و فرهنگی در شرایط حاضر سبب شده است تا حتی اقدامات عمرانی و شهرسازی نیز تحت تأثیر قرار گیرد. گذر از کنار مسائل اجتماعی و فرهنگی، مسائل اقتصادی، زیست محیطی از جمله این چالش‌ها در کلان‌شهرها می‌باشد و به لحاظ امنیت فردی و اجتماعی قابل تأمل و بررسی هستند.

اگر بخواهیم به دسته‌بندی آسیب‌های امنیتی در کلان‌شهرها پردازیم از حوزه‌های مختلف و زوایای متعددی می‌توان به آنها پرداخت که البته این مشکلات می‌توانند منجر به پیامدهای متعدد ناامنی از جمله ناآرامی شهری، اعتصابات، تظاهرات و شورش‌های خیابانی، تلفات انسانی - تخریب ساختمان‌ها

و اموال عمومی و گاهاً انهدام تجهیزات و تأسیسات زیربنایی، گسترش جرائم شهری و ناهنجاری‌های اجتماعی مثل جرم و جنایت، بزهکاری، سرقت و... گردند.

لذا در جمع‌بندی این مباحث به بررسی چهار حوزه اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، محیطی و مدیریت شهری در کلان‌شهرها پرداخته می‌شود که همگی این موارد می‌توانند امنیت فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهند و آن را دچار چالش سازند:

در حوزه اجتماعی و فرهنگی در کلان‌شهرها مشکلات زیر وجود دارد:

وجود تکرر و تنوع قومی، مذهبی و ناهمگونی جمعیتی و پایین آمدن احساس مسئولیت اجتماعی

جوانی جمعیت و خیلی عظیم جمعیت جوان بیکار

تجمع دانشجویان در کلان‌شهرها، خصوصاً تجمع یک چهارم دانشجویان کشور در کلان‌شهر تهران

تراکم شدید جمعیت در مناطق مرکزی و جنوبی و گروه‌های مهاجر در پیرامون

جدایی‌گزینی شدید طبقاتی در شمال - جنوب و مرکز - پیرامون کلان‌شهرها

وجود مهاجرین خارجی و امکان زندگی راحت تر آنها در کلان‌شهرها در مقایسه با شهرهای کوچک (مثل افغانی‌ها)

رواج فرهنگ قانون‌گریزی و امکال پایین نظارت‌های اجتماعی

جمع شدن کارگران فصلی در چهار راه‌ها به صورت کارگر روزمرد که گاهاً برای ساکنین در دسرافرین هستند.

مرکزیت ورود و پخش فرهنگ‌ها و الگوهای رفتاری تهاجم بیگانه به کشور و تضعیف ارزش‌های ملی - مذهبی

مشکل ترافیک و ناکارایی شبکه حمل و نقل شهری به منظور دسترسی به پلیس

عدم توزیع عادلانه تسهیلات و خدمات شهری در مناطق مختلف شهر

ناکافی بودن مراکز تفریحی، ورزشی و گذران اوقات فراغت به ازای جمعیت

تمرکز کلیه نهادها و سازمان‌های دولتی و تصمیم‌گیری، مدیران عالی رتبه و متخصصان در کلان‌شهرها (علی‌الخصوص در تهران) که به دنبال خود ازدحام، شلوغی و آلودگی را به همراه دارد.

در حوزه محیطی در کلان‌شهرها مشکلات زیر وجود دارد:

وجود بافت‌های فرسوده و بناهای غیرمقاوم در مناطق پرتراکم جمعیت و سخت بودن تخریب و بازسازی آنها

عدم آگاهی عمومی و ناکافی بودن آموزش‌های همگانی در مقابله با بحران‌های محیطی

زمان‌بر بودن تبدیل تشکیلات مقابله با بلایای طبیعی

ضعیف شدن مدیریت بحران در اثر گستردگی جغرافیایی کلان‌شهرها

**در حوزه اقتصادی در کلان‌شهرها مشکلات زیر وجود دارد:**

گسترش فقر شهری در اثر بالا بودن هزینه‌ها  
گسترش اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی  
کمبود و گرانی مسکن در اثر تراکم جمعیت  
گسترش بیکاری در اثر وجود خیل عظیمی از جوانان ( جوانان خود شهر و جوانان مهاجر و جویای کار)

رواج مشاغل غیر رسمی و کاذب  
رواج راه‌های کسب درآمد غیر قانونی و غیر مشروع در میان برخی اقشار

**در حوزه مدیریت شهری کلان‌شهرها مشکلات زیر وجود دارد:**

عدم ارتباط و هماهنگی لازم میان خط مشی‌های راهبردی  
وجود مدیریت‌ها و مراکز متعدد تصمیم‌گیری در زمینه مسائل شهری  
فقدان مدیریت جامع شهری و مدیریت مجموعه شهری  
کمبود بودجه، تجهیزات و پرسنل مدیریت انتظامی متناسب با جمعیت  
توزیع جغرافیایی نامناسب مراکز خدمات انتظامی در سطح شهر  
عدم مشارکت جدی و سازمان‌یافته مردم در مدیریت و حفظ مدیریت شهری  
ناکافی بودن قوانین حمایتی از شهروندان فقیر در زمینه دسترسی به خدمات و تسهیلات شهری  
فقدان نظارت و کنترل بر نرخ کالاها و خدمات شهری به علت گستردگی مناطق  
با توجه به ماهیت و چند بعدی بودن مقوله «امنیت شهری» می‌توان نتیجه گرفت که «مدیریت امنیت کلان‌شهری» شرایطی فراتر از وضعیت موجود را طلب می‌کند، زیرا روند تحولات در کلان‌شهرها در چند دهه اخیر به گونه‌ای بوده که زمینه‌های ناپایداری امنیتی را در این شهرها فراهم آورده است.  
لذا با توجه به چند وجهی بودن مقوله «امنیت پایدار» تأمین امنیت فردی و اجتماعی در کلان‌شهرها تنها از طریق مدیریت امنیتی — انتظامی یا مراکز مدیریتی متعدد تأمین نمی‌شود بلکه نیاز به ارتباط و هماهنگی لازم بین مجموع سازمان‌های دولتی، سازمان‌های غیردولتی و حضور خود مردم دارد و این امر مستلزم تحول در نظام مدیریت شهری با جهت‌گیری به سوی ایجاد مدیریتی جامع، واحد، همه جانبه‌گر و فراتر از وضع موجود می‌باشد. بر این اساس، امروزه کلان‌شهرها برای برقراری امنیت فردی

و اجتماعی و کسب جایگاه رفیع و زنده ماندن در برابر تحولات پرشتاب عصر حاضر، به غیر اقدامات اساسی و برنامه‌ریزی مسئولان و مدیران حوزه شهری راهی جز تکیه بر مشارکت آگاهانه شهروندان و بویژه تشکل‌های غیردولتی و داوطلب ندارند. فرآیندی که در آن شهروندان با سهیم شدن در تصمیمات اثرگذار بر زندگی خود و جامعه شهری و با درک حقوق شهروندی و با شناخت و فهم از مسئولیت‌پذیری جمعی و گروهی، هزینه‌های اداره شهر را کاهش و بر توانایی‌های مدیریت کلان‌شهر اضافه کنند و این امر از طریق ایجاد آگاهی و احساس مسئولیت اجتماعی در بین شهروندان ایجاد خواهد شد.

## منابع

- زیمبل، گئورگ (۱۳۷۲)، *کلان‌شهر و حیات ذهنی*، ترجمه یوسف‌علی لباذری، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، شماره ۳ (بهار).
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لطیفی، غلامرضا و سیدمحمد، بساطیان (۱۳۹۱)، *پیامدهای امنیتی ناشی از تمرکزگرایی در کلان شهر تهران*، جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره اول (بهار و تابستان).
- لوئیس، اسکار (۱۳۵۳)، *فرهنگ فقر*، ترجمه مهدی ثریا، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴ (تیر)
- نقدی، اسداله و رسول، صادقی (۱۳۸۵)، *حاشیه‌نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار*، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی سال پنجم شماره ۲۰.